

تحلیل چالش‌های اقتصادی و فرهنگی استقرار نظام مشروطه در کاشان

سید محمود سادات بیدگلی

استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۶/۰۳) تاریخ پذیرش: (۹۵/۱۰/۲۴)

An Analysis of Economic and Cultural Challenges for the Establishment of Constitutionalism in Kashan

Seyyed Mahmood Sadatbidgoli

Assistant Professor at the Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Received: (2016/08/24)

Accepted: (2017/01/13)

Abstract

This paper will examine economic and religious challenges that existed in Kashan which must be dealt with in creation of a constitutional structure. Kashan economic context, in which the new system would be deployed, was the heir of unorganized economic situation of Iran in the Qajar era that made accepting the new system more difficult. In the Qajar era, Kashan was a static society with strict religious beliefs that did not accept constitution and modern system. Two letters essays of *Kalamā t-e Anjoman* and *Resā ley-e Ensā fiye* for reconciling Constitution with Islam to accept the new system. This study was done by using archival records, manuscript & original sources to answer this hypothesis that: economic and cultural situation of Kashan had affected the acceptance of the constitution in the Qajar era. The findings of this study have indicated that the deteriorating economic situation of Kashan in the Qajar era was a major challenge in the way of accepting the new system. Cultural situation of the city and its static structure were cultural challenges for establishing modern system. Writing essays by scholars of Kashan to prove compliance of the constitution with Islam is evaluated as a mean to help establishing the new system in Kashan. In this paper, the two aforementioned challenges and ways out of it are analyzed.

Keywords: Constitution, Kashan, economic challenges, *Kalamā t-e Anjoman*; *Resā ley-e Ensā fiye*

چکیده

این مقاله به بررسی چالش اقتصادی و چالش دینی که در کاشان بر سر راه ایجاد ساختار مشروطه وجود داشت، می‌پردازد. بستر اقتصادی کاشان میراث‌دار وضعیت نابسامان اقتصادی ایران دوره قاجار بود که پذیرش نظام نوین را با مشکل مواجه می‌کرد. جامعه کاشان در دوره قاجار جامعه‌ای ایستاست با عقاید سخت مذهبی که در آن مشروطه و نظام نوین پذیرش نداشت. نوشتن دو رساله *کلمات انجمن* و *رساله انصافیة* در جهت تطبیق دادن مشروطه با اسلام جهت متقاعد کردن جامعه به پذیرش نظام نوین صورت گرفت. این پژوهش با استفاده از اسناد، نسخ خطی و منابع اصلی به دنبال آزمون این فرضیه است که «آیا وضعیت اقتصادی و فرهنگی کاشان در دوره قاجار بر پذیرش مشروطه در کاشان تأثیر داشته است؟». یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی نابسامان کاشان در دوره قاجار، چالش بزرگی بر سر راه پذیرش نظام جدید بود. وضعیت فرهنگی شهر و ساختار ایستای آن، چالش فرهنگی استقرار نظام نوین بود. نوشتن رساله انصافیة، برای اثبات انطباق مشروطه با اسلام، در جهت کمک به استقرار نظام نوین در کاشان ارزیابی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مشروطه، کاشان، چالش اقتصادی، کلمات انجمن، رساله انصافیة

۱. مقدمه

ایجاد نظام نوین مشروطه در دوره قاجار در بستری صورت می‌گرفت که از نظر اقتصادی و نیز باورهای دینی و ویژگی‌های خاص خود را داشت. این مؤلفه‌ها در شهر کاشان که از دوره صفویه به‌عنوان یک شهر صنعتی و نیز مذهبی شناخته می‌شد، دوچندان بود. سیاحان اروپایی که در این دوره از کاشان بازدید کرده‌اند، به این صنایع و رونق آن اشاره کرده‌اند. «در آنجا بافته‌های ابریشمین تحسین‌برانگیز و زربفت‌های عالی تهیه می‌کنند. من به یاد ندارم که در اروپا ظریف‌تر و لطیف‌تر از آنها دیده باشم» (نامه‌های ...، ۱۳۷۰: ۷۷). سیاح ایتالیایی نیز ذکر می‌کند که پارچه‌های کاشان بهتر از ایتالیا تهیه می‌شود (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۳۷). ورود کالاهای خارجی باعث ورشکستگی بسیاری از کارگاه‌های کاشان شده بود و این صنایع، توان رقابت با سیل کالاهای خارجی را نداشت. از طرف دیگر جامعه ایستا و باورمند دینی، نظام جدید را با تردید می‌نگریست. تعدد رساله‌هایی که علما در این دوره نوشته‌اند ناشی از همین امر است.

در دوره قاجار، با ورود گسترده پارچه‌های خارجی، کارگاه‌های پارچه‌بافی و ابریشم‌بافی کاشان با رکود و تعطیلی مواجه شدند. «در کاشان ده سال پیش هنوز چهارصد دوک در کار بود. از آن زمان از رونق کارخانه کاسته شد؛ زیرا ابریشم به علت افزایش قیمت آن در اروپا به مقدار زیاد به آنجا صادر گردید» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸۲). کساد پارچه‌های ابریشم‌بافی به دلیل ورود مقدار زیادی پارچه ابریشمی از روسیه نیز بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۴۹). بنیان قوی اقتصادی کاشان دوره صفویه رو به تحلیل رفته و ضعف اقتصادی و فقر در کاشان، در

دوره قاجار به چشم می‌خورد. در این فضا، ندای مشروطه‌خواهی بلند شد که در ابتدا از آن استقبال شد اما ضعف ساختار اقتصادی - که در این نوشتار به‌صورت ریشه‌ای بدان پرداخته خواهد شد - چالش بزرگی در برابر پذیرش نظام نوین بود.

کاشان در دوره قاجار شهر مذهبی بود که در آن علما، عهده‌دار هدایت جامعه بودند. علمای کاشان در این دوره دودسته‌اند: گروه مشروطه‌خواه و گروه مخالف مشروطه. جامعه کاشان هم در این دوره، جامعه‌ای است که هر چیز نوینی را با تردید می‌نگریست و سخت می‌پذیرفت؛ لذا پذیرش نظام نوین با توجه به اعتقادات مردم به‌سختی صورت می‌گرفت. هرچند علمایی چون ملاعبدالرسول مدنی، در این شهر، با نوشتن رسالاتی کوشیدند تا مشروطه را موافق اسلام نشان دهند اما ساختار فرهنگی و دینی جامعه، چالش عمده‌ای بر سر راه استقرار مشروطه در کاشان بود. برای بررسی دو چالش پیش‌نوشته باید به‌صورت ریشه‌ای به بررسی ساختار اقتصادی و فرهنگی شهر کاشان پرداخت که در ادامه این نوشتار ارائه می‌شود. در این زمینه پژوهش مستقلی منتشر نشده است. سیف در کتاب *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* در باب تأثیر ورود پارچه‌های خارجی بر کل اقتصاد ایران، مباحثی را مطرح کرده که کلی است و اطلاعات آن در خصوص میزان این تأثیر بر شهری مانند کاشان ناقص است. فلور نیز در *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران*، بیشتر به واکنش‌های تجار در مقابله با واردات کالاها و بهره‌گیری از عنصر مذهب پرداخته است. حوزه بررسی فلور عمدتاً تهران و اصفهان است و گاهی به ضرورت و به صورت جزئی به شعبات شرکت اسلامیة در کاشان پرداخته شده، که البته این

کارگاه‌های کاشان از شاه درخواست کردند تا از صنایع آنان در مقابل کالاهای خارجی حمایت کند ولی شاه به درخواست آنان توجهی نکرد. کالاهای نساجی انگلستان زیان فراوانی به صنایع داخلی ایران رساند به طوری که تعداد دستگاه‌های بافندگی کاشان از ۸۰۰۰ دستگاه به ۸۰۰ دستگاه رسید (فشاهی، ۱۳۵۶: ۴۴؛ سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۳) و تولیدات شهر صنعتی کاشان به یک‌دهم میزان قبل کاهش یافت و این امر باعث کاهش تولید محصول پنبه و ابریشم گشت. «چگونه کسی ملتفت نمی‌شود که سال به سال صنایع شرقی در آسیا رو به کاهش گذاشته و محصول اروپائی جایگزین می‌شود و چرا ایرانی‌ها که پارچه، تنزیب‌ها و زری‌ها را بدین ظرافت می‌بافند، از آنها دست کشیده، پارچه‌های انگلیسی را زیور خود می‌کنند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۶).

در اوایل قرن بیستم کاهش تولید ابریشم در کاشان، اندکی با وقفه روبرو شد و کمی تولید افزایش یافت. این افزایش تولید ناشی از نیازی بود که در بازارهای اروپایی برای ابریشم خام به وجود آمده بود و بازرگانان مبادرت به صدور ابریشم خام می‌نمودند در حقیقت مراحل ابتدایی وابستگی به خارج در حال رقم خوردن بود.

کوشش‌های گذران میرزا تقی‌خان امیرکبیر، نتوانست تغییری در وضعیت صنعت نساجی به وجود آورد. در کاشان در بازپسین ربع قرن نوزدهم، شال تازه‌ای به نام پدیدآورنده و طراح آن حسینقلی‌خان بافته شد. بافندگان دیگر کاشان نیز پارچه‌های ابریشمی - پنبه‌ای تازه‌ای از نوع قدک و کتانی بافتند. به خصوص پارچه‌ای معروف به عبای پشت‌مشهدی که در جامه‌های زمستانی به کار می‌رفت، تولید نمودند؛ اما به‌رغم این کوشش‌ها،

اطلاعات هم قابل استفاده است. بنابراین، از آنجا که در حیطه محلی و به صورت کمی به این مطلب پرداخته نشده، این پژوهش در این راستا می‌تواند گام نخست باشد.

۲. چالش‌های اقتصادی استقرار مشروطه در کاشان

الف) ورود پارچه‌های خارجی و اثر آن روی صنایع کاشان

از زمان سقوط صفویه تا روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار؛ که کشور دستخوش جنگ‌های داخلی متعددی بود، در اروپا تحولات و پیشرفت‌هایی صورت گرفت که بعدها بر سرنوشت ایران تأثیر گذاشت. اروپای قرن هیجدهم، انقلاب صنعتی را تجربه می‌کرد. این زمان در ایران مقارن اواخر زندیه و اوایل قاجاریه بود که ایران بازار اروپا را از دست می‌داد و محصولات خود را در بازار داخلی به فروش می‌رساند و انواع مختلفی از پارچه در سراسر ایران، تنها برای مصرف داخلی بافته می‌شد (فلور، ۱۳۷۱: ۹۴).

کالاهای اروپایی تقریباً از اوایل دوره قاجار وارد بازار ایران شد و از سال ۱۲۳۰ق. به بعد، رغبت به مصرف کالاهای اروپایی در ایران افزایش یافت. از دهه ۱۲۵۰ق و ورود بی‌رویه کالا، چون بهمنی بر سر صنایع ایران سرازیر شد؛ خصوصاً که ایران به سبب معاهده ترکمانچای که ۵ درصد عوارض برای کالاهای اروپایی تعیین کرده بود، نمی‌توانست از ورود آنها با موانع تعرفه‌ای جلوگیری به عمل آورد. به‌فروش رفتن پارچه اروپایی در ایران نه فقط به دلیل قیمت ارزان آن بود بلکه کاسته شدن از کیفیت پارچه‌های ایرانی نیز، بازار را به رقیب واگذار نموده بود. در ۱۲۶۰ق. تعدادی از سرمایه‌داران و صاحبان

۱۳۳۷	۳۰۰-۴۰۰	-
------	---------	---

برگرفته از: تاریخ اقتصادی ایران، اثر چارلز عیسوی؛ مختصر جغرافیای کاشان، اثر سپهر؛ سند شماره ۲۹۳۰۰۵۹۰۹ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ کتابچه خطی چراغان، اثر محمدرضا بن جعفر و صاف در فرهنگ ایران زمین، ج ۲۴.

از اقداماتی که سبب ورود بیشتر کالاهای فرنگی گردید، اختصاص ۵ درصد عوارض گمرکی بر اساس ماده دول کامله‌الوداد به انگلستان بود و این کار به یک‌باره صنایع سنتی ایران را در مقابل کارخانه‌های صنعتی منچستر و گلاسکو قرارداد. تکمیل رکود صنایع نساجی کاشان به وسیله نوز بلژیکی انجام گرفت؛ نظر اجمالی به تعرفه مصوب نوز، جانب‌داری نوز را در ترقی تجارت روسیه و جلوگیری از رشد صنایع داخلی ثابت می‌کند. یکی از دیوان‌سالاران قاجاری، معدوم شدن ش‌عربافی و نساجی‌های کاشان، اصفهان، یزد، کرمان، خراسان و بوشهر را از اثرات برقراری تعرفه گمرکی توسط «نوز» بلژیکی دانسته است (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳/۸۳). کالاهای خارجی با پشتوانه سرمایه هنگفت و فقط با ۵ درصد عوارض گمرکی به راحتی وارد بازار ایران می‌شد؛ درحالی‌که اگر یک بازرگان اصفهانی می‌خواست جنسی را وارد کند، در محدوده مرزهای ایران بین انزلی و اصفهان شش بار در رشت، قزوین، تهران، قم، کاشان و اصفهان از او عوارض راهداری می‌گرفتند و این غیر از مالیات‌های مستقیم (قپانداری و غیره) بود؛ لذا تجار ایرانی حتی نمی‌توانستند اجناس اروپایی را خود وارد کنند و فقط فروشنده خرد این اجناس در داخل شهرها بودند و در داخل کشور هم اراده‌ای که جلوی این کار را بگیرد وجود نداشت. مقامات حکومتی نیز به استفاده از پارچه‌های فرنگی علاقه‌مند شده بودند و درکی از

بافندگان توفیق چندانی نیافتند (فلور، ۱۳۷۱: ۹۸).

از کارهای سخت بافندگی، تهیه و ریسندگی نخ آن بود و مرحله‌ای پرزحمت اما کم‌درآمد را شامل می‌شد. صنف حلاج و ابریشم‌ریس نیز به سبب ورود نخ‌های اروپایی که به تازگی توسط صادرکنندگان ابریشم خام وارد شده بود، زیان دیدند. بافندگان پارچه میل داشتند که از این نخ‌های آماده و ارزان‌قیمت استفاده نمایند؛ اما نخ‌ها در هوای مرطوب معتدل شمالی تهیه شده بود و در کویر خشک کاشان به محض استفاده پاره می‌شد؛ زیرا از آن برای تار پارچه استفاده می‌کردند و طاقت کشیده شدن به وسیله وزنه‌های دستگاه ش‌عربافی و زری‌بافی و مخمل‌بافی را نداشت. نساجان برای رفع این مشکل، تار را از نخ ایرانی و پود را از نخ فرنگی تهیه کردند و نتیجه آن پارچه‌ای بود بدشکل و فرم که بسیار به اعتبار پارچه کاشان لطمه وارد ساخت و مصرف‌کنندگان را به مصرف پارچه‌های فرنگی سوق داد. جدول ذیل میزان کاهش تعداد کارگاه‌های پارچه‌بافی و ابریشم‌بافی کاشان را نشان می‌دهد:

جدول ۱- تعداد کارگاه‌های پارچه‌بافی

و ابریشم‌بافی کاشان

تاریخ	کارگاه‌های پارچه‌بافی	کارگاه‌های ابریشم‌بافی
۱۲۲۰	-	۱۷۰۰
۱۲۷۴	۸۰۰	-
۱۳۱۷	۷۰۰	-
۱۳۳۶	۷۵۰	۲۶۲

ابریشمی برای مشتریان خود به صورت سفارشی می‌بافتند. با ورود پارچه‌های خارجی و رکود صنایع بافندگی، صنف بافنده به دنبال کار دیگری بود تا زندگی خود را اداره نماید. از طرف دیگر واردکنندگان کالاهای خارجی به کاشان به دنبال آن بودند تا پول حاصل از فروش محصولات خود را کالا از کاشان خریداری کنند تا تجارت آنان دوطرفه باشد، لذا سردرگمی بافندگان پارچه و تشویق تجار باعث شد صنعت فرش مورد توجه قرار گیرد. قالی‌بافی که از حمله افغان‌ها به صورت یک صنعت روستائی درآمد بود به کارگاه‌های شهری کشانده شد (ادواردز، ۱۳۴۶: ۳۹۵). بافنده کاشانی دستگاه شعربافی را جمع کرد و به جای آن دار قالی را برپا نمود اما از آنجا که سرمایه لازم را برای خرید مواد اولیه مرغوب نداشت، به خرید مواد اولیه ارزان قیمت دست زد.

صنف رنگرز که تازه از تجار، طرز استفاده از جوهر آنیلین را برای رنگرزی پارچه‌ها فرا گرفته بود، به رنگ کردن خامه قالی با جوهر آنیلین پرداخت و چون آسان‌تر و ارزان‌تر بود و بافنده فرش هم از آن راضی بود، به سرعت تولید فرش باکیفیت پایین گسترش یافت؛ زیرا هم به نفع تولیدکننده بود و هم به نفع صادرکننده. شهرت فرش کاشان هم باعث خرید آن از طرف خارجی‌ها می‌گردید. تاجری هم که فرش را از کاشان صادر می‌کرد در کنار پارچه‌ها، جوهر نیز وارد می‌نمود. مدتی این روند ادامه داشت تا این که دولت به مصرف جوهر در فرش پی برد. ابتدا صدور قالی‌های جوهری را ممنوع نمود اما در سال ۱۳۳۰ ق، صادرات آنها با پرداخت ۳ درصد عوارض گمرکی که بعد به ۶ درصد افزایش یافت، آزاد نمود؛ (نراقی، ۱۳۴۳: ۱۱)؛ زیرا تنها ایرانی‌ها

مسائل اقتصادی نداشتند. فتحعلی‌خان صبای کاشانی، ملک‌الشعرا دربار فتحعلی‌شاه، نقل می‌کند که: از شاه خواستم که به شغل قبلی خود یعنی قماش‌بافی در کاشان پردازم. پادشاه نگذاشت و گفت: «توشعر بیاف، شعر [پارچه] را فرنگیان می‌بافند» (موریه، ۱۳۳۰: ۳۲).

اقدامات مقطعی و ناقص بعضی شاهان قاجار نیز تغییری در وضعیت کارگاه‌ها به وجود نیاورد و سقوط صنعت بافندگی به نوبه خود بر سایر اصناف وابسته نظیر رنگرزان، حلاجان و کارگران بخش تمیز کردن پارچه‌ها تأثیر می‌گذاشت و می‌توان گفت این مشاغل عمدتاً از میان رفتند (فوران، ۱۳۷۸: ۱۹۶-۱۹۷).

ب) جایگزینی صنعت فرش به جای پارچه‌بافی

فرش کاشان همواره از اعتباری طولانی برخوردار بود. نمونه‌هایی از فرش‌های ابریشم کاشان را در موزه‌های خارجی می‌توان مشاهده کرد مانند قالی چلسی^۱ و قالی اردبیل^۲.

در اوایل دوره قاجار کارگاه‌های قالی‌بافی محدودی در شهر کاشان وجود داشت که فرش‌های

۱. قالی چلسی یکی از معتبرترین دست‌بافته‌های ایران و جهان در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. تار و پود فرش چلسی از ابریشم است و پرز آن پشمی و ابعاد آن ۵۴۰ در ۳۶۰ سانتی‌متر است. گره‌های آن از نوع متقارن فارسی‌باف است. این قالی و قالی اردبیل هر دو در کاشان بافته شده‌اند. این فرش به دلیل آنکه در گالری چلسی، در خیابان گینگزورود، فروخته شد به این نام مشهور شده است.

۲. معروف‌ترین قالی جهان، قالی اردبیل است که در موزه ویکتوریا و آلبرت در شهر لندن نگهداری می‌شود. این قالی اثر استاد مقصود کاشانی است و امضا دارد و تاریخ بافت آن ۹۴۶ق. است. این قالی چون برای بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در اردبیل، بافته شده بود و سال‌ها در این بقعه بود به نام قالی اردبیل مشهور شده است.

افراد و خانوارهای زیادی در سراسر ایران به بافت فرش روی آوردند و در مدت‌زمان کوتاهی در بسیاری از نقاط ایران، کارگاه‌های فرش‌بافی احداث شد که در آن کارگران برای کارفرمایان که از تجار صادرکننده بودند، فرش می‌بافتند. جدول زیر تعداد کارگران ایران را در سال ۱۹۱۴م. نشان می‌دهد که قالی‌بافان بالاترین میزان کارگران را شامل می‌شده‌اند.

جدول ۳- تعداد کارگران ایران در سال ۱۹۱۴

نوع صنعت	تعداد کارگران	صنعت
صنایع جدید	۶۰۰۰	صنعت نفت (ایران و انگلیس)
صنایع جدید	۳۰۰۰	شیلات (روسیه)
صنایع جدید	۱۶۵۰	کارخانه‌ها
صنایع جدید	۲۰۰	معدن
بخش خدمات	۵۰۰۰	مستخدمان
بخش خدمات	۴۰۰۰	باربران و کارگران بندر
بخش خدمات	۳۳۰۰	راه‌آهن و راه‌سازی
بخش خدمات	۳۰۰	چاپ
بخش خدمات	۱۰۰	کارگران صنعت برق
صنایع دستی	۶۵۰۰۰	قالی‌بافی
صنایع دستی	۲۰۰۰۰	بافتگی
صنایع دستی	۲۰۰۰۰	فلزکاری
صنایع دستی	۳۹۰۰	مصنوعات چرم
صنایع دستی	۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰	سایر صنایع دستی
	۱۴۲۴۵۰ تا ۱۴۷۴۵۰	جمع کل

افزایش تعداد قالی‌بافان در این دوره در کاشان هم مشاهده می‌شود که این افراد به تولید قالی‌های ارزان‌قیمت و مصرفی می‌پرداختند که فقط نامی از شهرت فرش کاشان دوره صفوی را با خود داشت و

متصدی این کار نبودند، بلکه خارجی‌ها و از جمله شرکت تولید قالی شرق که در سال ۱۹۰۶ م تأسیس شده بود به خرید فرش‌های جوهری می‌پرداخت. بارها از سوی دولت اقدامات محدودی برای توقف استفاده از جوهر در رنگ کردن خامه قالی صورت گرفت. (ساکما، ۲۴۰۰۰۶۲۰؛ روزنامه تریا، چاپ کاشان، ش ۸، تاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ ق، ص ۳)؛ اما نفع آنی تولیدکننده و صادرکننده مانع از تأثیر اقدامات دولت می‌گردید. برای اولین بار فرش نیز در رقم‌های صادراتی ایران جایی برای خود باز کرد و کمپانی شرق به سرعت به صادرات این‌گونه فرش‌ها مبادرت نمود. (ساکما، ۱۹۲۱۰۰۲۴۰۰). در جدول زیر رشد صادرات فرش مشاهده می‌شود.

جدول ۲) رشد صادرات فرش ایران در سال‌های مختلف

سال محصول	۱۸۵۰	۱۸۵۷	۱۸۸۰	۱۹۱۱	۱۹۱۳
	۳۸	-	۱۸	۵	
پارچه‌های پشمی و کتانی	۲۳	۲۷	۱	۱	
پنبه خام	۱	۴	۷	۲۶	
فرش	-	-	۴	۱۲	

مأخذ: فلور، ص ۱۰۱.

رشد صادرات فرش در این دوره سیاست جایگزینی کارگاه‌های قالی‌بافی با کارگاه‌های پارچه‌بافی را نشان می‌دهد. همچنین افزایش صادرات پنبه خام در جدول نشان‌دهنده خام‌فروشی پنبه به جای کالای تولیدشده است که هر دو این موارد در شهر کاشان قابل مشاهده بود.

به ثبت نرسیده بود (لمبتون، ۱۳۴۵: ۳۴۶-۳۴۷).
ادارهٔ تحدید تریاک کاشان از ادارات فعال شهر بود و با بزرگان شهر ارتباط داشت و تریاک مخصوص باندرول شده را رایگان برای آنان می‌فرستاد.

نظری به تاریخ کاشان در مقطع مورد نظر نشان می‌دهد که وجود تریاک باعث معتاد شدن گروه کثیری از افراد گردید. کمتر حاکمی به کاشان فرستاده می‌شد که معتاد برنگردد. ماشاءالله‌خان پسر نایب‌حسین نیز از افراد معتاد به تریاک بود. ملا عبدالرسول مدنی در جای‌جای رسالهٔ کلمات انجمن در مورد مضرات تریاک سخن می‌گوید: «گفتم یک چیز است که هر صریح عقل ذی‌شعوری مذمت آن را بدون تأمل می‌کند و آن کشیدن وافوری است که قاطع نسل بلکه انسانیت انسان است. شخص را پریشان می‌کند از کسب و صنعت و عبادت و شجاعت و غیرت و قوت و صورت و سیرت و اعتبار می‌اندازد. فقیر و کثیف می‌شود. تمام علامات انسانیت از او می‌رود. اگر زن و بچهٔ او نان نداشته باشند بلکه اگر خرابی کنند دربند نیست» (مدنی، نسخهٔ خطی، بی‌تا: ۴۲)

حکام معتاد کاشان گاه بر سر تأمین تریاک خود با ادارهٔ تحدید تریاک به مجادله می‌پرداختند. (ساکما، ۲۴۰۰۲۱۲۴).

کشاورز و تاجر سودجو برای سود بیشتر حتی از تریاک که آخرالدواء برای باقی ماندنشان بود نیز نگذشتند و تریاک مرغوب کوهستان‌های کاشان را به نشاسته و شیرۀ انگور آمیختند. میزان تولید تریاک در ایران افزایش یافت و جای سایر محصولات کشاورزی صنعتی را گرفت. جدول ذیل میزان تولید تریاک ایران را نشان می‌دهد.

بررسی طرح، رنگ، بافت و کیفیت مواد اولیهٔ آن، افت چشمگیری را نشان می‌دهد.

ج. تولید تریاک به‌جای ابریشم و پنبه

با جایگزینی صنعت فرش‌بافی به‌جای بافندگی پارچه نیاز برای مواد اولیه های همچون ابریشم و پنبه رو به کاهش گذاشت؛ زیرا تجار صادرکننده به ارزش افزودهٔ صادرات فرش به‌جای مواد خام، پی برده بودند و در عوض ورود کالاهای خارجی فرش صادر می‌نمودند. در بافت فرش نیز بیشتر کرک و پشم استفاده می‌شد که از جاهای دیگر وارد کاشان می‌گردید و محصول دام‌پروری بود، لذا کشاورزان تولیدکننده پنبه و ابریشم با کاهش میزان تقاضا روبه‌رو گردیدند. راه‌حل کشاورزان برای تأمین زندگی خود به‌جای کشت اقلام کشاورزی صنعتی، تولید تریاک بود که از مدت‌ها قبل به‌صورت محدود در منطقهٔ کاشان صورت می‌گرفت.

کشت خشخاش و تولید تریاک تحت ضابطهٔ ادارهٔ تحدید تریاک قرار داشت و از سوی این اداره کنترل و تشویق می‌شد؛ زیرا سود تریاک به جیب اداره سرازیر می‌گشت و ادارهٔ تحدید تریاک کاشان هر ساله از بابت باندرول کردن تریاک مقداری مالیات به دولت می‌پرداخت. ضمناً تجار پولی را که از بابت صدور فرش به دست می‌آوردند، به خرید اراضی نیز اختصاص می‌دادند، به‌طوری‌که مقدار زیادی از زمین‌های مرغوب روستاها به دست بازرگانان شهری افتاد و به وسیلهٔ مباشران آنان و یا زارعان اداره می‌شد؛ به‌خصوص زمین‌های نواحی کوهستانی که به کشت تریاک اختصاص داده می‌شد. برخی از زمین‌ها بعد از مرگ ارباب توسط زارع تصاحب می‌گردید مالکیت این زمین‌ها حتی تا دورهٔ مشروطه

جدول ۴- میزان تولید تریاک ایران

سال	صندوق	بها به روپیه
۱۸۷۱-۲	۸۷۰	۳۹۶۰۰۰
۱۸۷۶-۷	۲۵۷۰	۲۳۱۳۰۰۰
۱۸۸۰-۱۸۸۱	۷۷۰۰	۸۴۸۰۰۰۰
۱۸۸۹-۱۸۹۰	۵۱۹۰	۴۹۵۰۰۰۰

مأخذ: کرزن، ص ۲۶۸.

ازدیاد تعداد معتادان باعث شد انجمنی در تهران برای مبارزه با تریاک و مصرف الکل به وجود آید. فخرالواعظین خاوری کاشانی مباحث این انجمن را به نظم درآورد و به نام پسرش محمود، کتاب محمود نامید. ابیات ذیل از این کتاب، بیکاری، فساد و ازدیاد تریاک را نشان می‌دهد:

نه عشر نفوس خلق ایران جن گیر و دعانویس و رمال بازی گر و مارگیر و قاری مداح و سخنور و قلندر کف بین و مقلد و رسن باز چوبک زن و راهدار و فراش اجزا و متابعان دیوان دلالت و وکیل و شیخ ارشاد یک عشر دگر به رسم معمول با زحمت و رنج و کندن جان یکمشت فقیر و زار و دلگیر اکنون که رسید دور تریاک	از کسب شدند روی گردان درویش و سخن سرا و نقال تنبک زن و حقه باز و تاری خیناگر و شاعر و ثناگر رقاص و حریف و صاحب ساز قواد و قمارباز و قلاش ارباب مناصب و هم اعیان شرطی و وظیفه خوار و صیاد با صنعت و زرع گشته مشغول بخشید به آن ونه این یکی نان سازند تمام را ز نان سیر یکباره حساب خلق شد پاک
---	---

(نراقی، ۱۳۵۶: ۴۰-۴۲).

این شرکت‌ها، به وسیلهٔ جمعی از تجار سنتی، با کمک معنوی روحانیت تشکیل یافت. شعبه‌ای از شرکت اسلامی در کاشان، تأسیس شد و شروع به تولید پارچه‌هایی موسوم به اسلامی نمود. پارچه‌های اسلامی مورد استفاده متدینین و روحانیون قرار گرفت. حتی روحانیون فتاویی مبنی بر حرام بودن کالاهای فرنگی و لزوم استفاده از پارچه‌های اسلامی صادر کردند. به‌ویژه در جریان جنگ جهانی اول، علمای کاشان حکم به تحریم استفاده از اجناس روس دادند:

«الیوم استعمال مال التجارهٔ روس را بای نحو کان حرام و در حکم محاربه با امام زمان علیه و علی آبائنه التحیه و الثناء بدانند؛ عموم علمای کاشان» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱۳۸/۳).

علمای خرید پارچه‌های اسلامی را خدمت به شریعت محمدی و طریقت علوی می‌دانستند و نصرالله مجتهد در خانهٔ خود جشنی برای تشکیل شرکت اسلامی در کاشان ترتیب داد و مردم را به خرید امتعهٔ اسلامی از فروشگاه واقع در سرای بروجردی‌ها تشویق کرد (نجفی، ۱۳۶۹: ۱۰۴ و ۱۰۶)؛ اما گستردگی ورود پارچه‌های خارجی و قیمت ارزان آن، مانع از موفقیت شرکت اسلامی در کاشان شد.

بافندگان پارچه‌ها با ورود پارچه‌های خارجی و کسادی صنعت داخلی، بیش از همه زیان دیدند. یک کارگر خوب شعرباف، در سال ۱۳۱۱ ق، روزی نیم‌قران مزد می‌گرفت (وصاف، ۱۳۵۸: ۳۲). این مزد مقارن مشروطه، ۱/۵ تا ۳ قران برای مردان و نیم تا یک قران برای زنان و نیم قران برای کودکان بود (فوران، ۱۳۷۸: ۲۰۱). این مزد کسانی بود که از خود دستگاهی نداشتند و به‌صورت کارگر در کارگاه‌های

د. کوشش برای مقابله با کالاهای فرنگی

از اقداماتی که برای مقابله با کالاهای خارجی در کشور انجام گرفت، تشکیل شرکت‌های اسلامی بود.

جدول ۵- قیمت غله در ایران در ۲۵ شعبان، ۱۳۱۸

جو	گندم (خرواری)	شهر
۴ تومان	۵ تومان	بروجرد
۶	۹	همدان
۴	۶	زنجان
۵	۷	کردستان
۶	۷	خوی
۳	۵	سرخس
۵	۸	کرمان
۹	۱۱/۵۰۰۰	کاشان
۵	۷/۵۰۰۰	شاهرود
۷/۵۰۰۰	۱۱	سمنان
۶	۸	اصفهان
۴	۶	قوچان
۷/۵۰۰	۱۰	یزد

مأخذ: روزنامه ایران، نمره ۹۸۶، تاریخ ۲۵ شعبان ۱۳۱۸ ق.

قیمت ارزاق عمومی در کاشان از ثبات برخوردار

نبود و گندم از خرواری ۳/۵ تومان تا خرواری ۱۵

تومان در مقطع مورد بحث در نوسان بود.

جدول ۶- قیمت ارزاق عمومی در کاشان

تاریخ	گندم (خرواری)	جو (خرواری)	نان (یک)	گوشت (یک)	برنج (یک)
ربیع‌الاول ۱۲۸۸	۱۳،۵ تومان	۱۲ تومان	-	۳۱۰۰ دینار	۳۱۰۰ دینار
ذی‌قعدة ۱۳۰۷	۳،۵ تومان	۲/۰۰۰ دینار	-	-	-
صفر ۱۳۱۴	-	-	۵۰۰ دینار	-	-
ذی‌قعدة ۱۳۱۴	-	-	۹۰۰ دینار	-	-
صفر ۱۳۱۵	۵ تومان	۴ تومان	-	۲۰۰۰ دینار	-

دیگران کار می‌کردند. شعربافانی که از خود دستگاهی داشتند، بعد از بافتن یک طاقه پارچه (حدود ۲۰ متر)، آن را به بازار شهر برای فروش می‌آوردند؛ خریدار یهودی، پارچه را از آنان می‌خرید و در عوض حواله‌ای به نام بیجک به ارزش ۲ قران به آنها می‌داد. مشکل تبدیل بیجک به پول نقد نیز از مشکلات پارچه‌بافان بود و همواره مجبور بودند مقداری طناب یا لوازم غیرضروری خریداری کنند تا بتوانند بیجک را نقد نمایند، از این طریق هم مقداری از پول آنان به هدر می‌رفت. کارگر بایستی زندگی‌اش را با روزی ۱/۵ قران می‌گذراند. قیمت آرد جو یک من سنگ شاه ۲ قران، و گوشت یک من ۲۰۰۰ دینار بود. اکثر مردم کاشان در دوره مشروطه فقط شب‌ها غذای به اصطلاح پختنی می‌خوردند که آن‌هم ترکیبی از لوبیا و گوشت و سیب‌زمینی بود و بقیه روز را با غذای حاضری سپری می‌کردند؛ این حالت مخصوص زمانی بود که پارچه خریدار داشت و غله هم فراوان بود و شعرباف می‌توانست زندگی بخورونمیری داشته باشد.

اکثر غله کاشان از خارج کاشان می‌آمد و کشاورزان کاشانی به کشت محصولات کشاورزی صنعتی مثل تنباکو، پنبه، تریاک و توت می‌پرداختند، بنابراین بسیار پیش می‌آمد که در اثر ناامنی، غله به شهر نمی‌رسید و قحطی بروز می‌کرد. «در اوایل سال، به‌واسطه قلت غله، نرخ نان و سایر ارزاق ترقی کلی کرده و اهالی چند صباحی دچار تنگی و شدت بودند ک» (روزنامه ایران سلطانی، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۱ق، ۴). جدول زیر قیمت غله را در تمام نقاط ایران، در ۲۵ شعبان ۱۳۱۸، نشان می‌دهد. در این جدول قیمت جو و گندم در کاشان از همه شهرهای ایران بالاتر است.

با توجه به آمار ارائه‌شده تقریباً دوسوم مردم کاشان قادر نبودند زندگی خود را در پیچ‌وخم قحطی‌ها، جنگ‌ها و ناامنی‌ها اداره نمایند و هرروز وضعیت اقتصادی آنان بدتر می‌شد.

دیگر علت خرابی وضعیت اقتصادی را می‌توان تقلب اهالی در محصولات خود دانست. یکی از نویسندگان دوره قاجار در مورد نساجان قریه بیدگل (۶ کیلومتری کاشان) می‌نویسد: «علت دیگر برای خرابی آن، این است که طبیعت مذمومه و خوی ذمیمه و سلیقه غیرمستقیمه اهالی حرف این قریه این است که اگر جنسی از ایشان، رونق و رواجی پیدا نمود و زود به فروش می‌رسد، کم‌کم و به‌تدریج از چله و پودش می‌کاهند و از عرض و طولش می‌دزدند و تجار نیز، به طمع ارزانی و کاستن قیمت، از ایشان می‌خرند که به هر جهت آن جنس به هر کجا که حمل شد و یکبار مشتری خرید، دیگر بار نمی‌خرد و این پارچه منسوج، منسوخ می‌شود» (وصاف، ۱۳۵۸: ۳۲). تقلب فقط مختص این قریه نبود و در همه کاشان رواج داشت؛ حتی در پنبه خام صادراتی نیز تقلب می‌کردند و حکومت برای جلوگیری، روی عدل پنبه‌ها، مهر و علامت می‌گذاشت (روزنامه ثریا، ش ۳، تلخیص از صفحات ۳ و ۴). تقلب در ترازو و وزن کردن کالاها نیز رخنه کرده بود. هر چه بر تقلبات اهالی و واردات پارچه‌های خارجی به کاشان افزوده می‌شد، از سطح زندگی مردم، به‌خصوص کارگران صنایع بافندگی و حلاجی و رنگرزی و کشاورزان تولیدکننده ابریشم و پنبه کاسته می‌گردید؛ به‌طوری‌که بسیاری از اهالی مصرف گوشت روزانه را به هفته‌ای یکبار و برنج را فقط به شب آخر اسفند، محدود کردند. «قوت غالب اهالی آن نان جو و ماست گاو است» (وصاف،

صفر	-	-	-	۸۰۰	۲۰۰۰	-
۱۳۱۶	دینار	دینار	دینار			
جمادی	۱۵ تومان	۱۰ تومان	۹۰۰	-	-	-
الآخر			دینار			
۱۳۱۶						
رجب	۱۵-۱۶ تومان	۱۴	-	-	نایاب	-
۱۳۱۶						
ربیع‌الاول	۱۲/۵۰۰	۹۵۰۰	۵۰۰	۲۰۰۰	-	-
۱۳۱۷		دینار	دینار	دینار		
صفر	-	-	۱۲۰۰	۱۰۴۰۰	-	-
۱۳۱۸			دینار	دینار		
رمضان	۱۰ تومان	۷/۵ تومان	-	-	-	-
۱۳۱۸						
ذی‌قعدة	۱۲ تومان	۸/۳۰۰	-	-	-	-
۱۳۱۸		تومان				
صفر	-	-	۱۰۰۰	-	-	-
۱۳۱۹			دینار			
ربیع‌الاول	۹/۵۰۰۰-	۶/۵۰۰۰	۶۰۰	۲۰۰۰	۶۲۰۰	-
۱۳۱۹			دینار	دینار	دینار	
شعبان	۹ تومان	۶ تومان	-	-	-	-
۱۳۱۹						
صفر	نایاب	نایاب	۲۰۰۰	-	-	-
۱۳۲۰			دینار			
ربیع‌الاول	-	-	۱۲۰۰	-	-	-
۱۳۲۱			دینار			

مآخذ: روزنامه ایران، شماره‌های ۱۶، ۹۸۷، ۹۹۲، ۹۳۸، ۸۹۰، ۹۳۰، ۹۶۱، ۹۷۸، ۹۹۰، ۹۱۵، ۹۴۷، ۹۶۲، ۱۰۰۵، ۹۹۷، ۹۹۴؛ سپهر، ۱۳۶۸: ص ۳۱۲.

به خاطر وضعیت بد اقتصادی، افراد زیادی از کاشان به جاهای دیگر مهاجرت کردند. بروز قحطی و امراض دیگر هم بر جمعیت شهر اثر می‌گذاشت. «از کثرت کسالت و عدم اشتغال و ناهمواری‌های عارضه بر اهالی این مملکت، که هر یک به‌واسطه نارسایی و پریشانی و موافقت نمودن خرج با دخل، خود را به هر وسیله که باشد، به اطراف و اکناف پراکنده می‌سازند» (روزنامه ثریا، س ۵، ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ق، ص ۹).

شکم خود و زن و بچه‌اش را سیر کند، نمی‌دانست مشروطه چیست و هرچه جانب‌دارانه یا مغرضانه از مشروطه بدو گفته می‌شد، می‌پذیرفت؛ خصوصاً آنکه در کاشان زبان گویای هر دو گروه نیز روحانیت بود و افراد فقیر مذهبی به حرف روحانیت اهمیت زیادی می‌دادند. طی درگیری‌هایی به وجود می‌آمد، چه بسا یک نفر فقیر، بی‌نوی دیگری را می‌کشت. نه قاتل می‌دانست مشروطه چیست و نه مقتول و هر دو هم به نام دفاع از اسلام و احیاناً اجر اخروی بدین کار دست یازیده بودند. وضعیت وخیم اقتصادی کاشان در مقطع مورد نظر باعث شد عده‌ای برای به دست آوردن لقمه‌ای نان خود را ملبس به لباس روحانیت کنند (مدنی، بی‌تا: ۲۱-۲۳). آنها به نام روحانیت به کارهای خلاف دست می‌زدند و بعضی درگیری‌های روحانیت در این دوره با مشروطه‌خواهان، از سوی این گروه صورت می‌گرفت و حتی بعضاً بر سر تدریس در مدرسه‌ای با هم به جنجال می‌پرداختند و حتی وقف‌نامه‌ها را نادیده می‌گرفتند (سند شماره ۱ ضمیمه مقاله).

۳. چالش‌های فرهنگی مشروطیت در کاشان

در شهری با این ویژگی، نظامی حاکم شد به نام مشروطه که برای اکثریت افراد، ناشناس بود؛ هنگامی که نظام مشروطه از زبان روحانیون معرفی شد، برخی بدان اعتماد کردند و آن را جزئی از شعائر دین شمردند؛ اما عده‌ای نیز همچنان بدان بدبین بودند. این افراد حول محور روحانیون مخالف مشروطه جمع شدند و شعار «مشروطه مخالف تدین است» را مطرح کردند. با طرح این شبهه، عده‌ای از طرفداران مشروطه که چارچوبی غیر از نظام دینی را نمی‌توانستند برای خود تصور کنند، از مشروطه

۱۳۵۸: ۵). آنها یک تا دو قران کل درآمد خود را صرف تهیه نان، لبنیات، صیفی‌جات و تنباکو می‌نمودند.

نظر به آنکه گروه‌هایی نمی‌توانستند زندگی خود را تأمین نمایند و به اصطلاح زیرخط فقر زندگی می‌کردند، چاره‌ای برای آنها نمانده بود جز آنکه به عنوان تفنگچی به یاغیان بپیوندند تا بتوانند گذران عمر نمایند؛ پس برخی از آنان به دسته راهزنان نایب حسین کاشی پیوستند و به طغیان محلی، جنبه ملی دادند. بافندگان و فرزندان بافندگان عباي پشت‌مشهدی، هم به دلیل بیکاری به طغیان نایب پیوستند و مدت‌ها کشور را با مشکل مواجه کردند.

این وضعیت اقتصادی که به‌طور مشروح بدان پرداخته شد، در دوران مشروطه به‌عنوان چالشی در برابر مشروطه‌خواهان قرار می‌گرفت. هر حرکتی از سوی مشروطه‌خواهان به خاطر وضعیت اقتصادی نابسامان خشتی می‌گردید. خیل کارگران بیکار و نیمه‌بیکار، که می‌توانستند آلت دست مخالفان مشروطه قرار گیرند، از چالش‌های مشروطیت در این دوران به حساب می‌آید. معیشت مردم در سطح پایینی قرار داشت و فقط اقلیتی از تجار و اشراف در وضع بهتری به سر می‌بردند و حتی محل زندگی‌شان از افراد فقیر جدا بود. محله سلطان‌میراحمد و حوالی خیابان فاضل نراقی و علوی فعلی، محل زندگی اکثر اعیان و محله پشت‌مشهد محل زندگی فقرا محسوب می‌شد. این جدایی بر وخامت اوضاع افزود؛ زیرا فقرا در محل خود، به‌صورت دسته‌جمعی، هر حرکتی می‌توانستند انجام دهند؛ همان‌طور که در پشت سر نایب‌حسین در محله پشت‌مشهد انجام دادند و در مقابل مشروطیت که به‌زعم آنان به نفع بزرگان بود، مقاومت نمودند. فردی که نمی‌توانست

دست کشیدند؛ زیرا تدین جزئی از روح، زندگی و همه شخصیت آنان بود و هیچ چیز حتی مشروطه نمی‌توانست جای آن را پر کند. با بلند شدن ندای مخالفست مشروطه با اسلام و سرکوبی مشروطه‌خواهان، عده‌ای از مخالفان مشروطه و مردم به تکفیر مشروطه‌خواهان پرداختند و با وجود آنکه دو مجتهد بزرگ شهر، ملا حبیب‌الله شریف و ملا عبدالرسول مدنی، رأی به مشروطه‌خواهی دادند و آن را اعتلاء کلمه اسلام دانستند، این شبهه برطرف نشد و عده‌ای برای رسیدن به مقاصد خود از جهل مردم استفاده کردند و دامنه این بحث‌ها را گسترش دادند. مردم نیز هر کس را که به‌جانب مشروطه گرایش پیدا می‌کرد، به دید فردی سست‌ایمان می‌نگریستند.

در این دوره در کاشان ملا حبیب‌الله شریف و ملا عبدالرسول مدنی در جهت انطباق دادن مشروطیت با اسلام کوشش‌هایی انجام دادند. ملا حبیب‌الله از طرفداران بنیادی مشروطه محسوب می‌شد و برپایی مشروطه را اعتلای کلمه اسلام می‌دانست.

وی در جلسات آزادیخواهان و بزرگان شهر، در انجمن ولایتی کاشان، شرکت می‌کرد و همواره انجمن را تشویق به کار می‌نمود. در دوره استبداد صغیر و بحث‌های داغ مشروطه، از ملا حبیب‌الله سؤال شد «آیا جائز است تقلید مجتهدی که انکار می‌نماید مشروطیت مشروع صحیح را، یا متعصب باشد در استبداد؟» (مدنی، ۱۳۷۸: پاورقی صص ۵۷-۵۸). وی پاسخ داد: «جائز نیست تقلید او؛ زیرا که مراد از مشروطیت نه آن است که عوام کالانعام گمان کرده‌اند، بلکه مراد به آن مطلبی است که ثمره آن، اعلاء کلمه اسلام و ترویج احکام شریعت پیغمبر آخرالزمان (ص) و اقامه حدود الله کما انزل الله و امر

به معروف و نهی از منکر و کندن ریشه فتنه و فساد و برطرف کردن ظلم و تعدی حکام است، پس اگر مجتهدی انکار چنین مشروطه را نماید و راضی به ظلم و فساد و اختلال نظم و انتظام بلاد باشد تقلید او حرام است.» وی تقریظ و تأییدی در اول رساله انصافیه، نوشته و از مشروطیت دفاع نموده و از این که به خاطر کهولت سن نتوانسته خود به نوشتن رساله‌ای در این زمینه پردازد، تأسف خورده است. (مدنی، ۱۳۷۸: ۷۴). همچنین تقریظی بر قصیده مشروطیه میرزا محمد حسن کمال‌الواعظین متخلص به پروین نوشته است. پروین این شعر را در دفاع از مشروطیت سروده بود. (مدنی، ۱۳۷۸: ۵۸).

ملا عبدالرسول مدنی یکی دیگر از روحانیون روشن‌اندیش کاشانی است که کوشش کرده تا نظام مشروطه را موافق اسلام نشان دهد. وی به خاطر موقعیت علمی و خانوادگی که داشت، به ریاست انجمن ولایتی کاشان، منصوب شد و ریاست محکمه صلحیه از محاکم عدلیه کاشان را نیز به‌دست آورد. (روزنامه ثریا، چاپ کاشان، ش ۹، تاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ ق، ص ۴).

ملا عبدالرسول، رساله انصافیه را در انطباق مشروطه با اسلام نوشت. این رساله به توصیه ملا حبیب‌الله شریف در صفر ۱۳۲۸ ق. در مطبعه ثریا در کاشان چاپ سنگی شد تا بتواند روی جو ضد مشروطگی شهر تأثیر بگذارد. مدنی در رساله انصافیه در توضیح معنای لفظ مشروطه که برخی را به وحشت انداخته بود می‌نویسد: «اینک می‌گوئیم لفظی که خیلی، بعضی را به اضطراب انداخته لفظ مشروطه است، چون هنوز معنای مشروطه را نفهمیده‌ایم، بدون تحقیق منع می‌کنیم. مشروط بودن چیزی یعنی بسته است وجود آن به وجود این، و

آغاز می‌شود. مثلاً کلمه اول با آمدن دیر هنگام فردی به در خانه ملا عبدالرسول آغاز می‌شود. ملا عبدالرسول احتمالاً به خاطر لو نرفتن اعضای انجمن و از ترس اشرار و مرتجعین، اعضای انجمن را تحت عناوین ناقصان و کاملان انجمن و فضول و عارف انجمن یاد می‌کند و کمتر از آنان اسم می‌برد.

وی کلمه دوم از کلمات انجمن را با انتقاد از بیکاری عمومی آغاز می‌کند: «چه خاکی بر سر بریزیم که برای ما ایرانی‌ها، کسب و صنعتی که درخور استعدادمان باشد بدست نیست چون مدتهاست مری ملتی یا دولتی برایمان نبوده». (مدنی، نسخه خطی، بی تا: ۱۲)؛ و به انتقاد از کارگزاران حکومتی می‌پردازد: «هیچ کدام ملتفت نیستیم که این عمل هرچند به نقد باعث گردآمدن اموال جزئی آن متقلب حیل‌انگیز چه در لباس ملا باشد چه دیوان و چه غیر این‌ها می‌شود اما جماعتی دیگر پریشان و فقیر می‌شوند و چیزی بر دولت زیاد نمی‌شود بلکه ذره ذره اصل دولت پریشان و فقیر می‌شود». (مدنی، نسخه خطی، بی تا: ۱۵).

ملا عبدالرسول به اقتصاد توجه خاصی داشته و نسبت به وضعیت صنایع و رکود آنها معترض بوده است «در کدام نقطه ایران شما شنیده‌اید صنعتی که پانصد سال پیش داشته‌ایم جزئی زیاد کرده یا در خیال زیاد کردن باشیم مگر صنعت تقلب و احتمال و خدعه و نفاق و فضولی». (مدنی، نسخه خطی، بی تا: ۱۷).

وی به بحث عدم امنیت اقتصادی در دوره خود واقف بوده است. «بسا می‌شود یکی از متمولین شب می‌خوابد صبح برمی‌خیزد مالک هیچ نیست؛ کاغذی می‌سازد بخط و مهر خودش مثل مسجل و مهمور به خط و مهر تمامی علمای بلد که این شخص تمام

دولت را می‌گویند مشروطه است نه چیز دیگر را، چراکه دولت یا مطلقه است و آن دولتی است که صاحبان منصب آن هر چه بکنند کسی حق سؤال و جواب ندارد... یا مشروطه و آن دولتی است که صاحبان منصب آن ملتزم باشند به اطاعت قانون و نشر عدل...» (مدنی، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۹).

مدنی در خصوص شکستن جو ضد مشروطه در کاشان توصیه می‌کند که مشروطه به خوبی معرفی و مصادیق درستی برای مردم بیان شود تا مردم به خوبی معنای مشروطه را بفهمند و آن را معادل بی‌دینی ندانند. «هر کس قلم و کاغذی به دست گرفت نباید فوراً روزنامه‌نویس شود، چه بسا می‌شود از روی بی‌علمی و خلاف حکمت، مصادیقی برای لفظ مشروطه تعیین می‌کند که مردم از آن گریزان می‌شوند، چنانکه در ذهن بعضی کرده‌اند مشروطه یعنی بی‌دینی، مشروطه‌خواه یعنی خودسر، شریر، فحاش، بی‌اعتنا به دین...» (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

وی چند سال قبل از مشروطیت در خانه خود انجمنی تشکیل می‌داد و تعدادی از دوستان خود از جمله فخرالسواعظین و چند نفر دیگر از آزادیخواهان را جمع می‌کرد و در مورد مسائل گوناگون به بحث می‌پرداختند و از مشکلات مسائل روزمره زندگی تا مسائل پیچیده مذهبی و مملکتی در این انجمن مورد بررسی قرار می‌گرفت. چند نفر از اعضای این انجمن در دوره مشروطیت به عضویت انجمن ولایتی کاشان انتخاب شدند.

ملا عبدالرسول، رساله‌ای نیز به نام **کلمات انجمن** در مباحث این انجمن به فارسی نگاشته است که حاوی سلسله مباحث تاریخی ارزشمندی است: کلمات انجمن مجموع چندین کلمه (سلسله مباحث) است که هر یک با اتفاق یا صحبت خاصی

مالش را بزید مصالحه کرده یا فروخته. هیچ ناقد بصیری نمی‌تواند تشخیص و امتیازی بدهد.» ملا عبدالرسول که خود روحانی اصیل و مردمی بوده، بیشترین انتقاد خود را اول متوجه دیوانیان و بعد روحانیون هم‌عصر خود می‌نماید «در تمام یک دولت مثلاً یک عالم است برای بیان احکام شرعیه و گرنه ولایتی یک عالم یا دو عالم، نه، پنج عالم لازم دارد برای بیان احکام شرعیه و فیصل امور رعیت بر وفق شریعت مطهره اینهم خود با اعوان و متعلقین و متعلقات می‌رسد به پانصد نفر و این عدد کجا باده هزار نفر چه در یک شهری که پنجاه‌هزار جمعیت [خرد] و درشت دارد اقلأ ده هزار نفر آنها خود را از این طایفه (دیوانیان و روحانیون) می‌شمارند.» (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۲۱-۲۳).

وی کلمه سوم از کلمات انجمن را با بدگویی از بیکاری اهالی و قلیان‌کشی افراد آغاز می‌کند که چه زمان‌های زیادی را از افراد در صبح و عصر صرف آماده کردن قلیان می‌کنند. بعد به تمجید از دانایی و دانش می‌پردازد و علم را نیز فقط منحصر به صرف و نحو عربی - که برخی از آقایان فقط آن را دانش می‌دانستند - نمی‌داند و خطاب بدان‌ها می‌نویسد: «طوری که شما معنی اخبار را دانسته‌اید که مقصود آن باشد که انسان باید در تمام عمر خود مشغول تحصیل نحو و صرف و معانی و بیان و اصول و فقه و اجتهاد باشد تمام خلق که باین کار مشغول شدند از زن و مرد تا شش ماه طول نمی‌کشد که تمام مآکول و ملبوس دنیا تمام می‌شود و همه این علما باید هلاک شوند از گرسنگی و بی‌لباسی و بی‌عمارتی، چراکه می‌گویند پیغمبر فرمود طلب علم و نحو و صرف و اصول و فقه و اجتهاد و اینها بر هر مرد مسلمان و زن مسلمانی لازم است از زمان

گهواره تا لحد اگرچه برفتن تا چین باشد پس معلوم می‌شود لازم نیست همه خلق در تمام عمر تحصیل این علوم نمایند.» (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۳۲-۳۳). وی سخن تندتری از خود نشان داده، معترضان می‌نویسد: «بعضی از حضرات همچو دانسته‌اند که باید وقتی از تحصیل مراجعت کردند مردم فقیر بیچاره از آنها و بستگان آنها بترسند و این فقره را از شعائر اسلام بشمارند.» (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۳۸). توضیح این مطلب ضروری است که وضعیت بد اقتصاد کاشان در دوران ناصری باعث گردید بسیاری از افرادی که از صلاحیت اخلاقی و علمی برخوردار نبودند، برای به دست آوردن سهمی از وجوهای شرعیه به کسوت روحانیت درآیند و بعد از گذشت مدتی خود را سمبل اسلام بدانند و از آن جایگاه به دیگران بنگرند. برخی از این افراد بر سر به دست آوردن کرسی درس مدارس علمیه با روحانیت اصیل درگیر می‌شدند و به حکومت شکایت می‌بردند. فریاد روحانی آزادیخواه کاشان ملا عبدالرسول از دست این گروه است که در لباس اسلام به اصل اسلام ضربه می‌زده‌اند. خود وی در تأیید علمای بزرگوار و متقی حوزه‌های علمیه می‌نگارد: «تمام زندگی و مردگی، حیات و ممات، دنیا و آخرت خلق (را) بواسطه وجود علمای حقیقه میدانم.» (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۳۸).

وی کلمه سوم خود را با ذکر مضرات تریاک به پایان می‌رساند.

در کلمه پنجم، از وضعیت اسفبار شهر، احتکار و سودجویی حاکم و برخی از بازرگانان، صحبت می‌شود. ملا عبدالرسول این فلاکت را ناشی از سیستم خرید و فروش ایالات می‌داند: «ولایات و خلق را بیک نفر بی‌سروپای [ناخوانا] می‌فروشد؛ یعنی

رکود، ثروت و پیشرفت می‌کند و حتی آن را معادل دین‌داری می‌داند و استقلال و آزادی را منوط به ثروت می‌داند. «استقلال مملکت بسته است بثروت و تحصیل ثروت بسته است به آزادی ملت و آزادی ملت بسته است بمستحفظین و قشون و تحصیل قشون بسته است بپول و ثروت پس تحصیل ثروت بسته است به تحصیل ثروت». (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۱۶۵).

غیر از گروه روحانیون موافق با مشروطه، گروهی نیز وجود داشتند که به خاطر عدم شناخت از مشروطه و افتادن در دام نفاق بزرگان، با آن به مخالفت برمی‌خاستند. اوج اقتدار این گروه را می‌توان در دوره استبداد صغیر و حضور نیروهای اعزامی محمدعلی شاه در کاشان مشاهده نمود.

۵. نتیجه

وضعیت اقتصادی کاشان از ابتدای دوره قاجار پیوسته وخیم‌تر گردید؛ با کاهش چشم‌گیر کارگاه‌های شَعربافی، از ۸۰۰۰ دستگاه به ۸۰۰ دستگاه، گروه بسیاری از مردم بیکار شدند و جایگزینی صنعت فرش‌بافی ارزان‌قیمت، به‌جای پارچه‌بافی، هم نتوانست این افراد را جذب نماید. خام‌فروشی ابریشم و پنبه هم جای صادرات پارچه را گرفته بود و سود فراوانی داشت؛ لذا این بستر اقتصادی ضعیف، توانایی پذیرش نظام جدید را با مشکلات آن نداشت. خیل عظیم بیکاران به‌عنوان تفنگچی به نایب‌حسین کاشی پیوستند و منطقه وسیعی از کویر مرکزی ایران را دچار طغیان و نظام نوپای مشروطه را دچار چالش کردند. از طرف دیگر تعداد زیادی از کارگران صنایع نساجی کاشان، به دلیل تعطیلی کارگاه‌ها، مجبور شدند برای گذران

[حراج] می‌کند. هر کس زیاده‌تر بخرد باو می‌فروشند اگرچه شخص قاطرچی باشد مبلغی از او گرفته او را روانه آن ولایتش می‌دارند. دیگر هیچ ملاحظه کفایت و بی‌کفایتی او نیست». (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۶۰). وی در پایان، بیکاری مردم را ناشی از دو عامل فساد حکومتیان و ورود اجناس خارجی می‌داند.

کلمه دوازدهم، پیرامون مذاکرات جلسه انجمن در مورخه ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ ق است که صحبت از بدی وضعیت اقتصادی و فساد حاکم به میان می‌آید. یکی از اهل انجمن از فساد سیستم مالیات‌گیری نالیده می‌گوید «این‌ها که اهالی تغلب و تعدی می‌گیرند اگر عاید اعلیحضرت سلطان ما می‌شد بجان و دل راضی بودیم چراکه ما خود را بندگان او میدانیم درد آنستکه رعیت فقیر را پریشان و مستأصل می‌کنند چیزی را که پادشاه ما از مال خود برعیت خود بخشیده چندین برابر می‌گیرند و ابداً پادشاه خبر ندارد». (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۱۰۴). این شخص از مشاغل کاذب ناله می‌کند و ملا عبدالرسول در جواب می‌گوید: «رفع آنها نمی‌شود مگر بیک طور و آن اینستکه بعضی از مکاسب جدیده پر فایده در این ولایات دائر شود دفع تمام مفسد مالیه می‌شود برای ترقی وجوه مکاسب در اطراف و علو نرخ‌ها و ضعف کسبهای ما این مفسد پیداشده». (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۱۰۶-۱۰۷).

مدنی باوجود مشروطه خواهیش در جای‌جای رساله به انتقاد از کارگزاران نظام مشروطه می‌پردازد: «آنچه آن زمان باسم استبداد و بی‌قانونی گرفته می‌شد امروز باسم مشروطه‌خواهی و قانون‌طلبی گرفته می‌شود». (مدنی، نسخه خطی، بی‌تا: ۱۵۹).

ملا عبدالرسول در رساله تأکید زیادی روی جنبه‌های اقتصادی دارد و دائماً صحبت از صنایع،

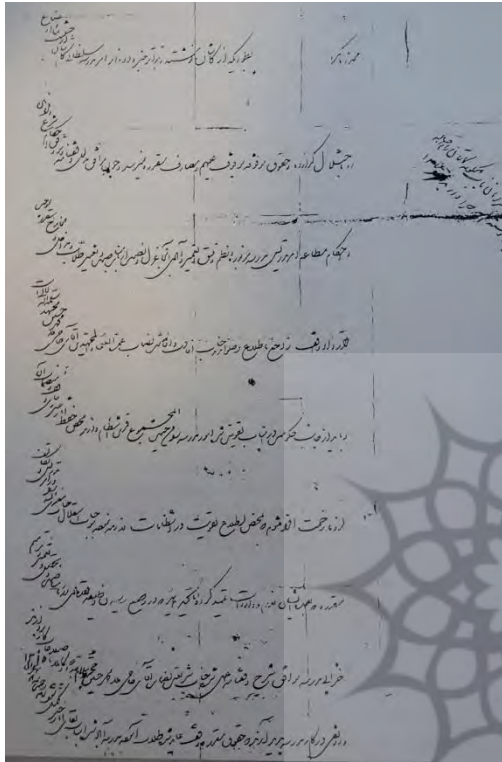
عمر به کسوت روحانیت درآیند به طوری که مدنی در رساله انصافیه از تعداد زیاد این افراد در کاشان گله کرده است. همچنین فشارهای اقتصادی کاشان در تمام شئون جامعه و حتی دریافت وجوهات شرعیه اثر می‌گذاشت. تجار صادرکننده در کاشان پرداخت کنندگان وجوهات بودند که تعداد آنها سال به سال کمتر و بر تعداد تجار واردکننده کالا و صادرکننده مواد اولیه از کاشان افزوده می‌گردید. گروه اخیر به دلیل مراوده با تجار اروپایی قیود تجار سنتی را در پرداخت شهریه نداشتند. تأکید ملاعبدالرسول بر اقتصاد در رساله انصافیه و ارائه راهکار نشان می‌دهد که اوضاع نابه‌سامان اقتصادی به عنوان چالش نظام مشروطه در کاشان عمل می‌کرد. ملاعبدالرسول در رساله انصافیه، به دنبال اثبات انطباق مشروطه با اسلام بود اما در جای جای رساله به مباحث اقتصادی پرداخته است. لذا دو حوزه اقتصادی و اعتقادی در کاشان به هم تنیده بود و هر دو با هم، به عنوان چالش ایجاد ساختار مشروطیت عمل می‌کرد.

منابع

- ادواردز، ا. س. (۱۳۴۶). قالی ایران. در *میراث ایران زیر نظر ا. ج. آربری*، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- روزنامه ایران سلطانی، سال پنجاه و ششم، شماره ۲۱، تاریخ ۹ شوال، ۱۳۲۱ ق.
- روزنامه ایران شماره‌های ۱۶، ۹۸۷، ۹۹۲، ۹۳۸، ۹۹۰، ۹۳۰، ۹۶۱، ۹۷۸، ۹۹۰، ۹۱۵، ۹۴۷، ۹۶۲، ۱۰۰۵، ۹۹۷، ۹۹۴.
- روزنامه ایران، نمره ۹۸۶، تاریخ ۲۵ شعبان ۱۳۱۸ ق.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران:
- خوارزمی.
- روزنامه *ثریا*، چاپ تهران، سال پنجم، شماره پانزدهم، تاریخ ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ ق.
- روزنامه *ثریا*، چاپ کاشان، شماره ۳، تلخیص از صفحات ۳ و ۴.
- روزنامه *ثریا*، چاپ کاشان، شماره ۸، تاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ ق.
- روزنامه *ثریا*، چاپ کاشان، شماره ۹، تاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ ق، ص ۴.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: ابن‌سینا و امیرکبیر.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸). *سفرنامه پیترودلاواله (قسمت مربوط به ایران)*. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۷۸). *مختصر جغرافیای کاشان*، به تصحیح افشین عاطفی، کاشان: مرسل.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۶۸). *مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین (دو کتاب در یک مجلد)*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
- سیف احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- شریف کاشانی، محمدمهدی (۱۳۶۲). *وقایع اتفاقیه در روزگار*. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۳ جلد.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- فشاهی محمدرضا (۱۳۵۶). *واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال*، تهران: جاویدان.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی)*. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند،
۰۰۴۲۰۰۲۱، شماره ریزفیلم ۰۰۴۲۰۰۲۱

سند شماره ۱. لزوم رسیدگی به جنجال تدریس و نحوه
اداره مدرسه سلطانی و توجه به وقف‌نامه مدرسه



ماخذ: اسناد خانوادگی حسن عاطفی

فوران، جان (۱۳۷۸). مقاومت شکننده. ترجمه احمد
تدین، تهران: رسا.

کرزن، جرج (۱۳۴۷). *ایران و مسئله ایران*. ترجمه علی
جوهر کلام، تهران: ابن‌سینا.

لمبتون، آ. ک. س. (۱۳۴۵). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه
منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مدنی عبدالرسول، *کلمات انجمن (نسخه خطی)*، نسخه
خط مولف به تاریخ بعد از ۱۳۱۶ ق. تعداد برگ ۲۲۶،
دارای ریختگی در برخی صفحات، محل نگهداری:
کتابخانه شخصی نویسنده.

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من*، تهران: زوار،
جلد ۳.

موریه، جیمز (۱۳۳۰). *سرگذشت حاجی بابا اصفهانی*.

ترجمه میرزا حبیب اصفهانی. تهران: بی‌نا.

موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*. ترجمه
ابوالقاسم سری. تهران: توس.

نجفی، موسی (۱۳۶۹). *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت
بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی*، بی‌جا: کلینی.

نراقی، حسن (۱۳۵۶). *زندگی‌نامه خاوری کاشانی*، تهران:
گوتنبرگ.

نراقی، حسن (۱۳۴۳، خرداد). *قالیکاشاندر قرن کنونی*،
(مقاله)، *مجله هنر و مردم*، دوره جدید، شماره ۲۰.

وصاف، محمدرضا بن جعفر (۱۳۵۸). *کتابچه چراغان*،
فرهنگ ایران زمین، ج ۲۴.

Encyclopedia Americana (1963).
New York: by americana corporation,
vol 16.

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند،
۰۰۹۰۰۶۲۰، شماره ریزفیلم ۰۰۹۰۰۶۲۰

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند
۰۰۴۲۰۰۱۰، شماره ریزفیلم ۰۰۴۲۰۰۱۰

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند
۰۰۴۷۰۰۱۷، شماره ریزفیلم ۰۰۴۷۰۰۱۷